

هزار و یک نکته نهفته در تربیت فرزندان



مقدمه :

آنچه در پیش رو دارید نکته‌ها و گفته‌های پنهان و بعضاً ناگفته‌ای است که قصد دارد تربیت - این واژه مکرر و رایج ، اما به یک معنا رازآلود و نادر- را از زاویه‌ای دیگر و با رویکردی متفاوت بنگرد. هر چند نگارنده بیشتر می‌پسندید که این نکته‌ها را در قالب مقالات تفصیلی به شکل معمول و مرسوم آن تدوین نماید، اما با عنایت به نوع مخاطبان این مجله و پرهیز از اطاله کلام سعی گردید به حدّ اختصار و اجمال در بیان نکته‌ها اکتفا گردد، تا حوصله خوانندگان کوشش لازم را در دریافت پیام‌های تربیتی داشته باشد و در عین حال جنبه سؤال انگیزی و بافت پرسشگری نکته‌ها، موجبات تحریک و تحریض اذهان اولیاء و مربیان محترم را فراهم آورد.

به عبارتی دیگر انتخاب این سبک از نوشتار بهانه‌ای بوده است تا از هجوم کلمات ، تراکم جملات و تعدّد توصیه‌های صوری و تکراری اجتناب شود، زیرا قصد از این مختصر آن است که مخاطب خود با قابلیت درونی و تجربه شهودی به اکتشاف و استنباط مفاهیم و روشهای تربیتی دست زند.

شنیدن و دقیق فهمیدن مؤثر هستند.

عبدالعظیم کریمی

آیا می دانید: یکی از رمزهای خوشبختی و سعادت فرزندانمان در این است که آنها بتوانند زندگی و پدیده های اطراف را به منزله تجربه ای عالی، نو و حیرت انگیز تلقی کنند و همه چیز را با دیده اعجاز و تحسین نگاه کنند؟ این گونه نگرش به زندگی باعث می شود که آنان هیچ گاه احساس رنجوری، بی حوصلگی و بی تفاوت بودن در زندگی نداشته باشند و همیشه با نشاط و خوشبین به زندگی باشند.

آیا می دانید: نشاط و شادابی یک نگرش درونی و یک طرز تلقی وجودی از زندگی است؟ پس اگر به دنبال شادی و نشاط در بیرون باشیم و بخواهیم آن را در بیرون از وجود خودمان به دست آوریم، موفق نمی شویم؛ در حالی که باید شادی و نشاط را در زندگی خلق کرد. بنابراین اگر پیوسته در جست و جوی امنیت و آرامش باشیم، خود را ناامن و مضطرب خواهیم یافت.

آیا می دانید: ما در مقام پدر و مادر به جای آنکه تلاش کنیم دیدگاه و نظر فرزندان خود را نسبت به افراد، اشیاء و یا حوادث شکل دهیم، نگرانی اساسی ما باید این باشد که فرزندانمان چه تصویری از خود دارند؟ زیرا تصویری که آنها از خود دارند باید تصویری مثبت، متعالی و خوشایند باشد.

آیا می دانید: اگر بخواهیم بدانیم فرزندانمان در آینده چگونه افرادی خواهند بود، باید از خود بپرسیم که آنها چه تصویری از

آیا می دانید: محرک های واقعی انسان مستقل و آزاداندیش، کیفیت های عالی اخلاقی نظیر ستایش زیبایی، عشق، احترام، عدالت و حقیقت جویی است؟ لذا والدین باید در زندگی واقعی خود، این محرک ها را از طریق اعمال و رفتار خویش به فرزندانمان ارائه نمایند، تا آنها پیاموند که چگونه زندگی کنند.

آیا می دانید: افراد آزاداندیش و مستقل همیشه از حس تعاون و همکاری با دیگران لذت می برند؟ آنان از اینکه به دیگران کمک می کنند بیش از هنگامی که دیگران به آنها کمک می کنند، لذت می برند. آنها هیچ وقت درصدد رقابت کینه توزانه با اطرافیان بر نمی آیند و به ندرت برای ارزیابی پیشرفت های شخصی، خود را با دیگران مقایسه می کنند، زیرا آنها از درون هدایت می شوند و همواره خود را انسانی ویژه و منحصر به فرد می بینند. این قبیل افراد هر چه بیشتر در جست و جوی حقیقت هستند تا تأیید طلبی و حقانیت خود را ثابت کنند. اگر فرزندانمان را این گونه تربیت کنیم، مطمئناً آنها را از حسادت، تنگ نظری، عصبیت و بدبختی نجات داده ایم.

آیا می دانید: برای اینکه کودکان اطلاعات خوبی کسب کنند، تنها شنیدن سخنان دیگران برایشان کافی نیست، بلکه کیفیت گوش دادن و درک کردن آنها نیز مهم است؟ واکنش های کودکان به هنگام گوش دادن، سؤالاتی که مطرح می کنند و حالات و حرکات آنان همگی در دقیق

نیست که والدین به فرزندان خود بی توجهی کنند، بلکه برعکس باید کاملاً مواظب آنها باشند، اما این مواظبت باید در حد معمولی و به دور از افراط و تفریط باشد.

آیا می دانید: هنگامی که کودک به زمین می خورد، اگر با عجله و وحشت به سراغ او بیایید، او فردی ترسو و بزدل خواهد شد که با کوچکترین حادثه در زندگی خود را می بازد و نیاز به حمایت دیگران دارد؟ زیرا کودک وقتی مجروح می شود، بیشتر از ترس به گریه می افتد، تا از درد. در همین موقعیت های طبیعی است که باید اولین درسهای شجاعت، خودکفایی و خویشن داری را به کودک آموخت تا به تدریج برای تحمل رنج های بزرگ آماده شود.

آیا می دانید: درد کشیدن، رنج بردن،

خود دارند؟ یا دوستان، همسالان و اقوام و خویشان چه تصویری از فرزند ما دارند؟

آیا می دانید: کودک دوست دارد همه چیز را تغییر دهد و از دگرگونی اشیاء لذت می برد؟ چرا که تغییر خود یک عمل محسوب می شود. اگر کودک میل بیشتری به انهدام دارد، از روی شرارت نیست، بلکه دوست دارد همه چیز را تغییر دهد. از آنجا که عمل سازنده همیشه به کندی انجام می گیرد، ولی عمل منهدم کننده سریع تر است، بیشتر با روحیه زنده و پرجنبش او مطابقت دارد.

آیا می دانید: اگر بگذارید نوزاد گریه کند، کمتر آسیب خواهد دید تا اینکه برای تسکین او شتاب کنید؟ زیرا بچه هایی که بیشتر از سایرین مورد بی توجهی (مصلحتی) قرار دارند، کمتر از دیگران آسیب می بینند. البته منظور این





ناکامی و تحمل سختی‌ها، اولین مریبان طبیعی و اکسیرهای تربیتی هستند که به کودکان یاد می‌دهند چگونه صبوری و شکیبایی از خود نشان دهند؟

آیا می‌دانید: چقدر اشتباه می‌کنند والدینی که تمامی اسباب و آلات و ادوات را برای حفاظت از فرزند خود (بطور افراطی) از اطراف کودک جمع‌آوری می‌کنند تا کودک را از سر تا پا در برابر هرگونه خطر احتمالی محافظت کنند؟ چنین کودکی وقتی بزرگ شود، در برابر سختی‌ها و مشکلات عاجز خواهد ماند، زیرا نه شجاعت خواهد داشت و نه تجربه. با اولین سوزنی که به دستش فرو رود، خود را مرده خواهد پنداشت، اولین قطرهٔ خونی که ببیند، از هوش خواهد رفت و اولین حادثهٔ ناگوار برای او پایان زندگی خواهد بود.

آیا می‌دانید: اغلب والدین به جای اینکه کودک را در حال و زمان اکنون پرورش دهند تا

بتواند در کودکی، کودکی را تجربه کند، بطور زودرس و شتاب‌زده، سعی می‌کنند دائماً از آینده صحبت کنند و بدین ترتیب همه چیز را فدای آیندهٔ کودک می‌نمایند؟ در حالی که آیندهٔ کودک از طریق حال ترسیم می‌گردد و هر قدر این فرصت طولانی‌تر و عمیق‌تر باشد، آیندهٔ او مطمئن‌تر خواهد بود.

آیا می‌دانید: فرق است میان امیدوار بودن و آرزو داشتن؟ امیدواری، کیفیت انتظار و توقع است، و هنگامی که شدیداً امیدوار هستیم، چیزی که انتظار داریم به واقعیت تبدیل می‌شود. همهٔ والدین می‌دانند که اگر از فرزندان خود اصول خاصی را انتظار داشته باشند و آنها را از انتظارات خود مطلع سازند، آنها نیز آن اصول را رعایت خواهند کرد.

آیا می‌دانید: یکی از عوامل مهم و مؤثر در ایجاد احساس اعتماد به نفس، فراهم آوردن شرایطی است که کودک بتواند در ارزیابی روابط خویش با دیگران، تصویری مثبت از

است .

خود بیافریند؟ هر قدر گستره روابط کودک با همسالان بیشتر و سالم تر باشد، تصویری که از خود می آفریند غنی تر و سازنده تر است .

آیا می دانید: تنبیه، بویژه تنبیه بدنی شخصیت کودک را در هم می شکند؟ البته در همین جا باید تأکید کنیم که تنبیه بدنی تحت شرایطی که به منظور پاسخ دادن به پرخاشگری ها و مبارزه جویی های خودسرانه و بی دلیل انجام شود، گاه به گاه می تواند ابزاری مناسب باشد، ولی اعتقاد به تنبیه بدنی نباید بهانه ای برای خالی کردن دق دلی های ما بر روی

آیا می دانید: تعادل روانی یک فرد بستگی به تعادل بین تصویر واقعی و تصویر مطلوب او از خودش دارد؟ برای مثال کودکی که برای موفقیت تحصیلی ارزش قائل است و در ضمن دانش آموز خوبی هم هست ، در مورد خودش احساس خوبی خواهد داشت ، زیرا



فرزندانمان باشد و تنبیه با نیت پاک ، نباید مجوزی برای تنبیه بدنی کودکان در مقابل دیگران و یا هتک حرمت آنان باشد.

آیا می دانید: توکل یعنی " سکون در اضطراب " و اضطراب در سکون ؟ و این یعنی

ارزیابی مثبتی از خصوصیات واقعی خویش دارد. به عکس کودکی که خود مطلوبش فرد بسیار محبوبی است ، اما در واقعیت دوستان کمی دارد، احترام او نسبت به خودش بسیار ضعیف می شود، زیرا اختلاف میان تصور فرد از خود واقعی و خود آرمانی اش بسیار زیاد

دیگری می‌سنجیم و مقایسه می‌کنیم و این عقیده غلط را به خود تحمیل می‌نماییم که باید مثل فلان شخص باشیم یا حتی مانند دیگران باشیم؟ به‌طور قطع این نوعی برداشت کاذب است، زیرا دیگران از افراد ساخته شده‌اند و حتی دو نفر از آنها هم مانند و شبیه هم نیستند.

آیا می‌دانید: واقعیت این است که هیچ یک از ما در مقام رقابت با دیگران آفریده نشده‌ایم؟ خداوند هر کس را در هويت یک فرد آفریده است، و هیچ‌گاه هیچ فردی بطور کامل شبیه شخص دیگری نخواهد بود و ما نباید هرگز چنین انتظاری از خود داشته باشیم.

آیا می‌دانید: فرزند شما در زمینه خاصی دارای استعداد و علاقه می‌باشد که با دیگری و دیگران متفاوت است؟ کودکان دیگر نیز استعدادهایی دارند که فرزند شما در آن زمینه‌ها ضعیف‌تر از آنان است و این یک امر طبیعی است. ما به‌عنوان والدین هوشمند باید این تفاوت‌ها را برای کودک خود تبیین کنیم تا او بتواند بگوید: "ممکن است که من برجسته‌ترین شاگرد مدرسه نباشم، اما بهترین سرود خوان یا نقاش مدرسه هستم."

آیا می‌دانید: اولین برخورد ما با دیگران تأثیری ژرف در نهاد آنها دارد و تصویری پایه‌ای از ما در ذهنشان حک می‌کند؟ این تأثیرات می‌تواند آغازگر ارتباطی عمیق و پویا باشد و یا به‌عکس فرصت‌های مناسب برای برقراری ارتباط مؤثر و مفید را از چنگمان بیرون آورد. اگر به اهمیت اولین برخوردهای بی‌بیریم، قطعاً به حالات عاطفی و رفتاری خود با فرزندانمان

حفظ آرامش در اوج تنش، و هر کس که به خداوند توکل کند به مانند یک کشتی است که در بدترین طوفانها طناب دکل را به یک تکیه‌گاه مطلق متصل کرده است. بنابراین اتکاء به خداوند در اوج ناآرامی و طوفانهای ذهنی، اتکا به منبعی عظیم، تغییر ناپذیر و جاویدان است که همه نگرانی‌ها، سردرگمی‌ها، تنش‌ها و فشارهایی را که افراد را احاطه کرده است، ختنی می‌کند.

آیا می‌دانید: خواندن متون مقدس (کتاب خداوند، دعاهای ائمه علیه‌السلام و تأمل در نیکی خلقت) روح و روان آدمی را آرامش می‌بخشد و به ما کمک می‌کند که تأیید کنیم قدرت خداوند در وجودمان نهفته و قابل دستیابی است؟ مشروط به اینکه راه کشف آن را شناسایی کنیم.

آیا می‌دانید: برجسته‌ترین و موفق‌ترین چهره‌های علم و معنویت کسانی بوده‌اند که یاد گرفته‌اند چگونه به زندگی امیدوار باشند؟ اگر بتوانیم امید داشتن را به فرزندانمان بیاموزیم، خیلی از خصوصیات خوب را به آنان یاد داده‌ایم (امید، یعنی احساس جاودانگی و پیروزی در همه لحظات). افراد امیدوار به آینده نگاه می‌کنند و افراد مایوس به گذشته. امیدوارها انرژی روانی خود را صرف آینده می‌کنند و افراد مایوس این انرژی را مصروف حسرت خوردن و سرزنش کردن خود می‌نمایند.

آیا می‌دانید: هنگامی که احساس حقارت می‌کنیم به این جهت است که خود را با شخص



بیشتر از پیش توجه می‌کنیم .
مغلوبی (تبدیل شود .

آیا می‌دانید: غالب نظام‌های آموزش و پرورش جهان بیش از ۹۵٪ از توان و بودجه خود را صرف جنبه‌های شناختی (کسب دانش) دانش‌آموزان می‌کنند، و پدران و مادران هم به همین میزان نیرو و وقت خود را در راه پیشبرد جنبه شناختی فرزندان خود صرف می‌کنند؟ در حالی که همه ما بر این واقعیت آگاهیم که احساسات، عواطف و ارزشهای اعتقادی آنان در تمام موقعیت‌های زندگی در درجه اول اهمیت قرار دارد که کمتر به ارتقاء و باروری آنها می‌پردازیم.

آیا می‌دانید: اهمیت اینکه فرزندان ما یاد بگیرند چگونه احساسات خود را کنترل کنند، چگونه اعتماد به نفس و عزت نفس خود را ارتقاء بخشند، چگونه با نشاط و خوشحال باشند، چگونه دارای سعه صدر و سخاوت در زندگی باشند و چگونه حسادت، کینه‌توزی و تنگ نظری را از خود دور سازند، بیش از اهمیت یادگیری مهارت‌هایی است که ما در مدارس در قالب محفوظات ذهنی و دروس مختلف به آنها می‌آموزیم؟

آیا می‌دانید: بخش مهمی از احساس اعتماد به نفس فرزندان ما بستگی به این دارد که ما به عنوان والدین، چگونه به آنها می‌نگریم؟ وقتی کودکی معتقد می‌شود که والدینش او را دوست دارند و برای او احترام قائل هستند، به ارزشهای خود به عنوان یک شخصیت مستقل پی می‌برد.

آیا می‌دانید: یکی از ویژگیهای کسانی که احساس حقارت می‌کنند این است که با هر کسی که به حرفهای آنها گوش دهد، درباره کمبودهای خود صحبت می‌کنند؟ زمانی که در باره بی‌کفایتی‌های خود حرف می‌زنید، شونده بلافاصله نزد خود تصویری را که از شما دریافت کرده، شکل می‌دهد و بعد رفتار خود را با شما براساس همان تصویر تنظیم می‌کند. به عبارت دیگر وقتی شما احساس خود را به زبان می‌آورید، طرف مقابلتان پیش خود افکار شما را سبک و سنگین و ارزیابی می‌کند. بنابراین والدین باید به فرزندان خود سیاست مثبت‌اندیشیدن را بیاموزند. انتقاد مستمر از خود می‌تواند بتدریج به یک عادت (خود